

جنبش جهانی ضد سرمایه‌داری، راه را نشان می‌دهد!

داریوش ارجمندی

همچنانکه انتظار می‌رفت، در آخرین ساعات روز گذشته، ایالات متحده آمریکا و بریتانی، حملات نظامی خود را به شهرهای افغانستان آغاز کردند. جرج بوش و تونی بلیر، هنگام اعلام این خبر، مدعی شدند که هدف از این حملات، خنثی ساختن نیروی نظامی طالبان و شبکه تروریستی بن‌لادن می‌باشد و نه مردم غیرنظامی افغانستان. اما در نخستین ساعات صبح امروز از کابل خبر مرگ دهها نفر از مردم غیرنظامی این شهر به جهان مخابره شد. جدا از تلاش‌های دو طرف جنگ برای انتشار اخبار دروغین و جعلی در جهت منافع خودی، می‌توان اطمینان داشت که بسیاری از مردم بیگناه افغانستان در طی روزهای آتی، قربانی بمباران‌ها و جنگ نظام سرمایه‌داری جهان خواهند شد. جنگی که کوچکترین ارتباطی با ادعاهای سران دولتهای سرمایه‌داری مبنی بر مبارزه با تروریسم نداشته و تنها اهداف سیاسی اقتصادی و غارتگرانه این دولت‌ها را دنبال می‌کند، جنگی که بدون شک نه تنها به تروریسم خاتمه نخواهد داد، بلکه بیش‌ازپیش بر آتش تروریسم و کشتار انسانهای بیگناه، خواهد افزود. جنگی که دیروز علیه مردم افغانستان آغاز شد، با هر پوشش و نامی که صورت گیرد، حرکتی ضد مردمی و جنایتی علیه مردم افغانستان و بشریت می‌باشد که باید به مقابله با آن برخاست.

در اعتراض به این جنایت بزرگ است که جنبش جهانی سرمایه‌داری، از همان نخستین ساعات و روزهای پس از حرکت تروریستی در نیویورک، با آگاهی از نقشه‌های آمریکا و متحدینش برای سوءاستفاده از این حرکت در جهت برافروختن آتش جنگی نو در جهان، به سازماندهی یک جنبش توده‌ای جهانی علیه جنگ، و تروریسم دولتهای سرمایه‌داری برخاست. در عرض مدت کوتاهی در بیش از ۲۰۰ نقطه از جهان، اعتراضات گسترده‌ای علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه سرمایه‌داری، برگزار شد و برگزاری دهها آکسیون و تظاهرات دیگر نیز در دستور کار قرار گرفت. به عنوان نمونه، هفته گذشته، ۲۵ هزار نفر در واشنگتن، ۳۰ هزار نفر در ناپل و بیش از یک صد هزار نفر در شهر رم، با برگزاری تظاهرات، به اعتراض علیه جنگ پرداخته‌اند. بطور کلی، در جریان بیش از ۲۰۰ حرکت ضد جنگ، نزدیک به نیم میلیون نفر در ۴۰ کشور جهان، به خیابان‌ها آمده‌اند. علاوه بر این، دیروز دقیقی پس از اعلام آغاز حملات هوایی علیه افغانستان، در دهها شهر جهان، اعتراضاتی علیه این حرکت ضدانسانی دولت‌های سرمایه‌داری، برگزار شد. امروز و در همین لحظات، انسان‌های بیشماری در سراسر جهان، همزمان در دهها شهر و کشور، از آمریکا و کانادا گرفته تا اروپا و آسیا و استرالیا، یکصدا به اعتراض علیه آتش‌افروزی‌ها و جنایت بزرگ آمریکا و متحدینش مشغولند. اما، اخبار این اعتراضات گسترده توده‌ای، با سکوت و سانسور از سوی رسانه‌های جهان سرمایه‌داری روبرو شده‌ست. در عوض، آنچه بطور شبانه‌روزی از این رسانه‌ها مخابره می‌شود، سخنان رهبران آمریکا و متحدین‌اش در توجیه و حقانیت بخشیدن به سیاست‌های جنایت‌کارانه‌ای است که در پوشش مبارزه با تروریسم، هدفی جز چنگ اندازی به منابع ثروت افغانستان مردم آسیای مرکزی و گستردن خوان یغمای امپریالیست‌ها، دنبال نمی‌کند. در این میان آنچه کوچکترین جایی در محاسبات سیاست‌گذاران نظام سرمایه‌داری ندارد، منافع مردم رنج‌دیده و ستم‌کشیده افغانستان می‌باشد.

اما همچنانکه گفته شد، سد محکمی در راه تکوین این سناریوی مرگبار شکل گرفته است. جنبش نوین جهانی علیه سرمایه‌داری، با دریافتن ضرورت مقابله با سیاست جنگ‌افروزی سرمایه‌داری، اینبار با شعار صلح‌خواهی و عدالت اجتماعی و در دفاع از حقوق و آزادی‌های سیاسی انسان‌های لگدمال‌شده، به میدان آمده‌است. حرکتی که علی‌رغم تلاش دستگاه سانسور بین‌المللی، می‌رود تا ندای صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی توده جهانی را به گوش تمامی انسان‌های آزاده کره خاکی برساند و نقشه‌های مرگ‌آور صاحبان صنایع تسلیحاتی و کارتل‌های نفتی را، نقش بر آب سازد. در صفوف اعتراضات توده‌ای علیه

جنگ، از فعالین اتحادیه‌های کارگری گرفته تا فمینیست‌ها، سوسیالیست‌ها و فعالان جنبش چپ، از مدافعین حقوق بشر و عدالت اجتماعی گرفته تا طرفداران محیط‌زیست، فعالین انجمن‌های طرفدار صلح و مخالفان مسابقهٔ تسلیحاتی و سیاست‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری را، می‌توان یافت. این جماعت وسیع انسان‌های عدالت‌جو و آزادی‌خواه، بدرستی دریافته‌اند که در پشت صحنهٔ نمایش مبارزهٔ بین‌المللی با تروریسم، کارتل‌های نفتی آمریکایی و اروپایی و سازندگان توپ و موشک‌های نظامی ایستاده‌اند. درست از همین‌روست که در برابر فریادهای انتقام‌جویانهٔ جرج بوش و شرکای وی، جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری، با شعار مبارزه با تروریسم دولت‌های سرمایه‌داری، پایان‌بخشیدن به فقر و ناعدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی، و به میدان آمده‌است. در تمامی اعتراضاتی که در روزهای اخیر در گوشه و کنار جهان برپا گشت، بر روی این واقعیت تأکید شده بود که مبارزه با تروریسم، بدون مبارزه با سرمایه‌داری امکان‌پذیر نیست. چگونه می‌توان از جبههٔ واحد بشری علیه تروریسم سخن گفت و همزمان به تبلیغ و ترویج نفرت نژادی علیه صدها میلیون نفر از مردمان جهان، پرداخت؟ چگونه ممکن است که از عدالت سخنی به میان آورد و همزمان، ملتی را به دلیل گناه یک یا چند نفر، سلاخی کرد؟ چطور می‌توان خود را مدافع دموکراسی معرفی کرد، اما همزمان مانع انعکاس صدای اعتراض توده‌ها شد و به خواست‌های آنها بی‌توجه بود؟

جنبش جهانی ضدسرمایه‌داری، با طرح این پرسش‌ها، به مقابله با دستگاه دروغ‌پردازی نظام سرمایه‌داری رفته‌است. جنبش نوین جهانی علیه سرمایه‌داری، در مبارزهٔ خود، به حقیقت متکی است، حقیقتی که آزادی‌نوع بشر را از چنگال نظام ضدانسانی سرمایه، نوید می‌دهد.